

اریک فروم و رنج انسان مدرن

«کندوکاوی دراندیشه و آثار اریک فروم»

مسعود ربیعی فر

روزآمد

سرشناسه	:	ربيعی فر، مسعود (۱۳۴۱-)
عنوان و نام پديد آور	:	اريک فروم و رنج انسان مدرن: کند و کاوی در اندیشه و آثار اریک فروم
مشخصات نشر	:	تهران، روزآمد، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهري	:	۲۱۸ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۴۵۹-۳۷-۰
وضعيت فهرست نویسی	:	فیبای مختصر
یادداشت	:	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی:
	:	http://opac.ntai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۸۰۷۰۳۵

نشر روزآمد

تلفن: ۰۶۶۹۶۶۹۱۸-۰۲۱-۰۹۱۲۱۳۶۲۸۶۰/

نام کتاب: اریک فروم و رنج انسان مدرن
کندوکاوی در اندیشه و آثار اریک فروم

Erich Fromm (1900-1980)

مولف: مسعود ربیع فر

حروف نگاری: توکلی

ناظر چاپ: ایرج کیا

چاپخانه: نوبخت

لیتوگرافی: نوبخت

نوبت چاپ: اول سال ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰

ISBN: 978-900-9659-37-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۵۹-۳۷-۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

آدرس: میدان انقلاب - خیابان اردیبهشت - بن بست شهرزاد - پلاک ۶ - زنگ ۴

عناوین پاره‌ای از نوشته‌های مؤلف:
«معین فرهنگ شناس یا فرهنگ
ساز» در مجله‌ی خط مهر، «عشق و
اشتیاق» در مجله‌ی فرهنگ گیلان،
«بررسی کتاب فرهنگ زنان شاهنامه»
در مجله‌ی نقد و بررسی کتاب، «نقد
و بررسی کتاب دین ایران باستان،
ژاک دوشن گیمن» در مجله‌ی آناهید.
کتاب حاضر نیز به بررسی افکار و
اندیشه‌های اریک فروم، اومانیست
معروف غربی می‌پردازد. کتاب دیگر
در دست تألیف مؤلف: «خفته در مه»
است که اختصاص به کاوش در آسیب
شناسی جریان روشنفکری در ایران
دارد.

«فهرست مطالب»

پیش از مقدمه	۷
مقدمه	۹
از لطافت‌های عشق	۲۳
گاهشمار حوادث و رویدادهای مهم زندگی فروم	۲۹
اقوال و احوال	۳۱
واژه‌نامه‌ی روانشناسی اریک فروم	۵۳
علائم اختصاری در آثار فروم	۹۷
اعلام	۹۹
کتاب‌شناسی آثار اریک فروم	۱۲۹
نمایه و نمودار کلی موضوعات آثار اریک فروم	۱۳۹
کتاب‌شناسی	۱۵۳
با مترجمان فروم	۱۸۱
واژه‌نامه	۱۸۵

«پیش از مقدمه»

هنگامیکه «تانکا» از پادشاهان سلسله‌ی «تانگ» در جلوی کاخ سلطنتی «یرینجی» توقف کرد هوا بسیار سرد شده بود. بنابراین یکی از تمثال‌های بودا را که در آن جانب‌بسته شده بود پایین آورده، آتشی از آن درست کرد و شروع به گرم کردن خود نمود. نگهبان کاخ بامشاهده‌ی این عمل به سختی برآشفته و فریاد زد: «چطور جرأت می‌کنی تصویر چوبین مرا بسوزانی؟ تانکا شروع به برهم زدن خاکسترها نمود، گویی دنبال چیزی می‌گردد. سپس گفت: بگذار ذرات مقدس بودا را از این خاکستر جمع کنم. نگهبان پرسید: «چطور ممکن است ذرات* مقدس را در تمثال چوبین او جستجو کرد؟ تانکا فی‌الفور جواب داد: اگر نمی‌توان از تمثال چوبین، ذرات مقدس او را به دست آورد، پس لطفاً آن دو تمثال دیگر را هم بده تا آتش مرا گرم‌تر کند. نگهبان معبد بعداً به خاطر اعتراضی که به این تبهکاری آشکار تانکا کرده بود هر دو ابروی خود را از دست داد، در حالیکه خشم بودا شامل تانکا نشد.**»

*. به زبان چینی «sarira» نوعی ماده‌ی معدنی است که بعد از سوزاندن جسد انسان باقی می‌ماند و برطبق اعتقاد، در حکم تقدس زندگی است.

** بر گرفته از کتاب روانکاوی ودین. اریک فروم. ترجمه‌ی آرسن نظریان، صفحه‌ی

انگیزه‌های اصلی مؤلف از نگارش این اثر، بدر آمدن از روحیه‌ی تعصب، پرهیز از جانبداری یک سویه، نفی جزمیت‌نگری و علاقه به کاوش در میدان‌های ذهن و روان‌شناسی بوده است، به امید مقبولیت آن در نزد دیگران و تأمل و تحمل در نقد‌پذیری این کتاب از سوی منتقدان منصف و معقول و خوانندگان فهیم!

www.ketab.ir

«همیشه در میان گروهی از مردم که به دنبال
اقتصاد و زندگی مرقه می‌روند، اندکی از
فرهیختگان نیز هستند که در فکر جامعه،
فرهنگ، اندیشه، حقیقت و هویت انسانی باشند.»

مقدمه

شاید نخستین سؤالی که در ابتدای خواندن این کتاب که در واقع به
نوعی راهنمای مطالعه‌ی آثار اریک فروم است، به ذهن و زبان خواننده
متبادر شود این باشد که مگر انسان مدرن رنجور است که تألیف حاضر
عنوان خود را از آن وام گرفته است؟ پاسخ به این سؤال هر چه که باشد
نویسنده و خوانندگان کتاب را به تأمل دریافتن جواب، از طریق کاوش در
آثار اریک فروم بطور خاص و پی‌گیری موضوعات و مبانی روانکاوی بطور
عام وامی‌دارد. بنابراین پی‌گیری آثار و اندیشه‌های فروم که در واقع
نماینده‌ی برجسته‌ی یک مکتب فرهنگ‌گراست مدخلیت دارد نه
موضوعیت و محوریت! یعنی اینکه اندیشه‌های اریک فروم باب ورود به
دنیای عجیب روان‌شناسی است که خود حکایت از دنیای هزار توی پنهان
آدمی می‌کند.

به راستی چگونه باید زندگی کرد و چه سان باید رفتار نمود؟ ما ابنای
بشر در روزگاری زندگی می‌کنیم که همه چیزمان بامحور داشتن و مصرف
کردن و غرق در تجملات براق و خیره‌کننده شدن تعریف و مرکزیت می‌یابد،
زندگی را چگونه باید دید؟ بدون اغراق می‌توان گفت که بیشتر فلسفه‌های

کلاسیک و حتی بخش بزرگی از فلسفه‌ی مدرن بر حول و محور مسأله‌ی «To have» صورت‌بندی شده است و به قول فیلسوف اجتماع‌گرای نو ارسطویی اسکاتلندی، السدیر چالمرز مک اینتایر (۱۹۲۹) «Alasdair. chalmers. Macintyre»: «انسان مدرن از سردرگمی میان مدل‌های زندگی رنج می‌برد»^۱ از نظر شهروند یونان باستان، مدل انسان در زندگی باید تجسم فضایل اخلاقی باشد. اما سیستم‌های معرفتی هر روز به شکلی به ارائه‌ی مدلی از زندگی اقدام می‌کنند تا جایی که آدمی در ملغمه‌ای از تنوع و تخالف مدل‌ها به گم‌شدگی و از جا رفتگی در تردید و تردد است.

سیستم و روش تک‌الگویی قدیم جایش را به باغ‌گوناگونی از میوه‌های رنگارنگ رفتار و کردار عوض کرده است. دیگر نمی‌توان کسی را به صفت غیر اخلاقی یا فضیلت‌مند متصف کرد و عملی را ناپسند و یا کرداری را اصیل و مباح دانست. هرگونه رفتار غیرقابل پذیرش و گستاخانه‌ای به بهانه‌ی دموکراتیک بودن، خود سبکی از زندگی شمرده می‌شود. ما در این بحبوحه، نیازمند اسناد، منابع و با متونی هستیم که آدمی را با خود واقعی‌اش بیشتر آشتی دهد. بین ما و خود واقعی ما به واسطه‌ی «خود قهری»، فاصله‌ای عمیق و حفره و شکافی ژرف حایل شده است. روانکاوی و روانکاوان جدید در پی یافتن علل، دلایل و عوامل پیدایی آن رخنه و شکاف هستند.

اریک فروم نیز از جمله یکی از این روانکاوان است که همواره دو گوهر نفیس: «اخلاق و عشق» سر لوحه‌ی پژوهش‌ها، اعتقادات و رنج‌اندیشی‌های او قرار داشته است. شخصیت آدمی هم محصول و معلول تعاملات فرهنگی

۱. برای اطلاع از آرا و نظریات او بنگرید به کتاب «در پی فضیلت» انتشارات دانشگاه نتردام. ترجمه فارسی از محمد علی شمالی و حمید شهریار.

او با این دو گوهر نفیس و بی‌بدیل الهی است و همان دو گوهر نیز علت و دلیل درمان آدمی تواند بود.

یادآوری این نکته لازم است که دین و اخلاق در عین تعاطی و تعامل، مقولاتی منفک و جدا از هم‌اند. اخلاق مقوله‌ای فرادینی و عام است و دین مقوله‌ایست که مفاهیم اخلاقی در آن مندرج است و همچون تار و پودی با مبانی دینی سرشته است. آموزه‌های دینی خود متکی بر گزاره‌های اخلاقی است. می‌توان جامعه‌ای را بدون دین ترسیم و تصور کرد، اما بدون اخلاق، تصور ذهنی چنین جامعه‌ای دهشتناک خواهد بود.

با این توضیحات هر متفکری دارای اضلاع فکری خاص و چارچوب‌های تعریف شده است که بر روی هم، هویت و تعیین ویژه‌ای برای تعمیق تفکر به او می‌دهد.

سیر تفکر اریک فروم نیز از این قاعده جدا نیست.

۱- کتاب‌های پیامبران در تورات همچون

کتاب ارمیا و کتاب اشعیا

۲- مکتب ذن بودیسم

۳- آثار کارل مارکس فیلسوف آلمانی

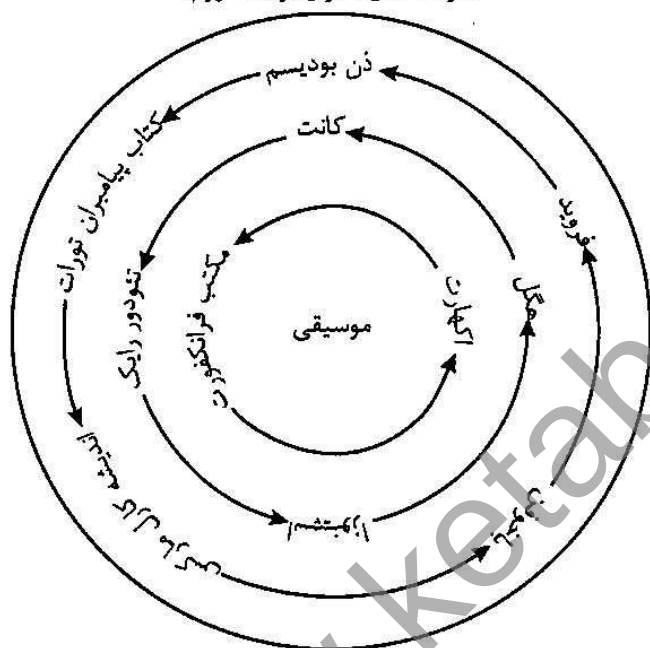
۴- آثار یوهان یاکوب باخوفن

۵- آثار و اندیشه‌های زیگموند فروید

۶- و دیگر مؤلفات و مقولات انسانی

اضلاع فکری فروم:

«مؤلفه های فکری اریک فروم»



مؤلفه ها و اضلاع فکری فروم در عین پیوند و اتصال، ناجور و نابرابرند و جمع کردن همه ی آن ها بطور یکجا شگفت آور است و هماهنگ کردن این سنتزها و تبدیل شان به اصولی واحد، از جمله خلاقیت و ابتکار ذهن آشتی دهنده ی اضداد اریک فروم بوده است. بغیر از جریان مکتب ذن بودیسم که راوی فرهنگ شرق دور است، مصالح چهارگانه ی اصلی، اندیشه های او از مواد بنیادی فرهنگ های اروپایی بوده که همه ی این مکاتب و دیدگاه ها بدست اریک فروم، به جنبه ها و وجوه مشترک یک مفهوم بنیادی و اندیشگی تبدیل شده است.

از خصوصیات برجسته‌ی دیگر اریک فروم بدون هیچ قصد بزرگ‌نمایی از او، غیر تقلیدی و سنتی نبودن افکار اوست. او سنت را در خدمت اخلاق، انسانیت و فرهنگ بکار می‌گرفت بدون اینکه خود را غرق و هلاک در سنت کند. دیدگاه او رنگ باخته و ناکارآمد نیست بلکه حکایتگر نوعی از رنگ نشاط و شادابی زیستی است که ریشه در حیات معقول یا درک آگاهانه و هشیارانه او از سیر تکامل هستی و انسان دارد.

اگر چه گروهی از همفکران او معتقدند که دوره‌ی روانکاوی به روش اریک فروم به سر آمده و دیگر نیازی به رویکرد سوی اندیشه‌های فروم نیست، اما به علت میدان داری در اندیشه‌های روانکاوی و تعاملات پنباه ساله‌اش به عنوانی درمانگر مسایل اجتماعی در قالب‌ها و عناوینی چون: استاد دانشگاه، سخنران محافل عمومی، و خط دهنده‌ی جریان‌های روان شناختی، سزااست که به کند و کاوی عمیق‌تر از آنچه که منتقدان در مورد او می‌گویند پرداخته شود و این موضوعی است که از دید منتقدان صریح و تند فروم نیز پوشیده نمانده است، مانند «جان اسکار» که لاجرم به پاره‌ای از اعترافات درباره‌ی او شده است.^۱

اریک فروم درباره‌ی شیوه‌ی روانکاوی خود، کتاب درسی خاصی ننوشته، و همچنین مکتب و مدرسه‌ی ویژه‌ای در روانکاوی تأسیس نکرده است، زیرا به اعتقاد او، تکنیک خاصی در درمان وجود ندارد، بلکه امر درمان بیش‌تر به مهارت درمانگر متکی است تا علم درمان‌گری.^۲

۱. جان اسکار، نویسنده‌ی کتاب گریز از اقتدار که در نقد آرا و اندیشه‌های اریک فروم نوشته است. این کتاب نقد تند و شدیدی برافکار و آثار اریک فروم است.

۲. تعبیر طبیب دوره گرد را حضرت امیر درخصوص پیامبر اسلام درخطبه‌ی ۱۰۸ نهج البلاغه گویا در تعارض با پزشکان مادی نگر آورده است: «طیبٌ دراربطه، قَدْ أَخْخَمَ مَزَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ...» پیامبر طبیبی است که برای درمان بیماران سیار است،

شیوه‌ی درمان فروم متکی و مبتنی بر گزافه‌گویی چنانکه در سنت پزشکی مرسوم بوده نیست و همچنین از روش مفاهیم انتزاعی نیز بهره نمی‌برده، و رازهای بیمارانش را افشا نمی‌کرده است. شیوه‌ی درمان اریک فروم متکی بر شناخت شخصی او از امتهات فرهنگ بشریست. با توجه به اضلاع و ارکان فکری او، نگاه انسانی و انسان مدارانه‌ی فروم بر تمامی روش‌های کلی درمان موجود سایه انداخته است.

او بعنوان یک انسان کمال‌گرا، هر لحظه در صدد کامل کردن دیدگاه‌های خود بر می‌آمده است، و این به معنای تلون و هر لحظه به حالی شدن نیست بدان معنا که شاعر اراده کرده؛ «هر لحظه به شکلی بت عیار در آمد» بلکه مراد لحظه به لحظه جامه‌ی کهنگی را از تن بدر آوردن است، چنانکه مولوی گوید:

«هر نفس نو می‌شود دنیا و ما بی خبر از نو شدن اندر بقا»

طبیعی است که با این سطوح فکری متفاوت، اشتباهات و یا تعارضاتی نیز در پاره‌ای از مواضع تفکر در یک اندیشه‌مند دیده شود. او در دوران تحصیل خود با اندیشه‌مندانی آشنا شد که یاد و خاطره‌ی پیامبران عهد عتیق را در نزد او زنده می‌کرد: کارل مارکس فیلسوف دگر اندیش آلمانی، یوهان یاکوب با خوفن مردم شناس معروف سوئیسی و زیگموند فروید روان شناس تأثیر گذار اتریشی که عمیق‌ترین تأثیرات را بر لایه‌های پنهان و آشکار ذهن او داشتند. این اندیشه‌مندان به همراه تعداد دیگری از متفکران عالم، به جهان بینی اریک فروم رنگ و لعاب دیگری دادند. احترام

→ مرهم‌های شفابخش او آماده و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گذاخته است. برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های شنوا و زبان‌های لال، آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.

و تعظیم عمیق او به طلایه داران و پیشتازان فکر و فرهنگ و تمدن جهانی ستودنی و در پاره‌ای از موارد آموختنی و عبرت آموز است. او در عین حال علاوه بر اینکه وامدار آنان است، آنها را به حال خود نگذاشته است. نقدهای تند و عنیف او بر مارکس و فروید و حتی دوست و همکار فکریش در مکتب فرانکفورت، هربرت مارکوزه در جای جای آثارش، خود شاهیست بر این مدعا.

شاید به علت طیف وسیع این موضع‌گیری‌هاست که به او عناوینی چون؛ فرویدی تجدیدنظر طلب و یا لیبرال منفرد و... داده‌اند اما بهترین لقب و عنوان برای او جوینده‌ی سر سخت حقیقت و آزادمنشی واقعی است زیرا او از فرزندان خلف تمدن غرب و زاده‌ی اصیل یک فرهنگ اومانیستی است، فرهنگی که دو تمدن «یونانی - رومی» و دو فرهنگ «مسیحی، یهودی» را در خود هضم کرده و با آن کنار آمده است.^۱

انسان برای فروم مبنایی برای کاوش و مطالعه بوده است. شاکله‌ی جهان بینی او یک جهان بینی اومانیستی با ترازوی اخلاقی عاطفی است. او به جای تأکید بر گوهر و ذات انسان، بر انسان‌شناسی فلسفی آدمی تأکید و ابرام دارد. دنیا و سرشت آدمیان از دریچه‌ی دریافت فروم را، همچون پرومته‌ی در زنجیری مانند کرده‌اند که تقلای انسان گرایانه‌اش برای رهایی از بندهای انسان‌گشانه‌ی تاریخ، او را مثال زدنی و نمونه کرده است. از دیدگاه اریک فروم، آدمی موجودیست زنده و هدفمند، بنابراین یگانه راه سعادت آدمی نیز، به خلاقیت در آوردن بذره‌ای الهی نهفته در درون اوست اما با اندیشه‌ی فروم بجای رویکردی منطقی، ستیزی نامعقول شده است.

۱. به نوعی نزدیک به سخن هیلموث پلسنر «Helmut. Plessner» (۱۸۹۲ - ۱۹۸۵ م) فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی است که با این سخن رویه و تریه‌ی فرهنگ و تمدن غرب را به خوبی کاویده است.

اندیشه ستیزی که دیربست در دیار ما سکه‌ی، رایج شده و متفکران جهان به بهانه‌های واهی، مورد بی مهری برخی از ارباب قلم شده‌اند و این درشتناکی در حق بزرگان اندیشه، اریک فروم را نیز بی نصیب نگذاشته^۱. برای نقد و یا رد کردن یک دیدگاه غلط و یا مخرب باید از ساحت و درگاه اندیشه وارد شد نه اینکه به تخریب و یا هدم شخصیت پرداخت.

دانش روان شناسی مانند علم فیزیک که با ستارگان و مشاهیری چون: گالیله، نیوتن و یا دانش فلسفه با فیلسوفانی چون: فرانسیس بیکن، رنه دکارت، امانوئل کانت و دانش نجوم با اختر فیزیک دانانی چون: یوهانس کپلر، نیکلای کوپرنیک، تیکوبراهه از مراحل جنینی و طفیلی خود خارج شده و به مرحله‌ی تازه‌ای از رشد و کمال رسیده، دست از فعالیت نشسته و صاحب نظرانی چون: زیگموند فروید، هاری استاک سولیوان «Harry stack. sullivan»^۲، کارن هورنای و همچنین اریک فروم را به جامعه‌ی

۱. از جمله بنگرید به مجله‌ی نوپای «فرهنگی عمومی» به سردبیری شهریار زرشناس (متولد ۱۳۴۴) شماره‌ی اول آذرماه ۱۳۸۹ مقاله‌ی: «چرا و چگونه امپریالیسم کودتا می‌کند؟» صفحه‌ی ۳۰، دراین نوشتار از اریک فروم بعنوان: «روان شناس یهودی طرفدار لیبرالیسم - سوسیال دمکرات» نام برده که اساساً فایده‌ی این شبه تحلیل معلوم نیست که چیست؟

نگارنده‌ی آن مدعی است که «فروم مدعی ترویج فردگرایی لیبرالی - بیمار روانی جلوه دادن یک شخصیت انقلابی، نفی شهادت طلبی بعنوان نشانه‌ی یک جاه طلبی بیمارگونه، توهین به دین مبین اسلام از منظرهای معیار اومانستی - نفی انقلابی گری» و نظیر این موارد و هم‌آلود و غبار گرفته و تشنج زا که به گمان این قلم سرتا پا بهتان و درغ و بی مسئولیتی در پشت این تعبیر «سیاست زده» صف کشیده است. در این تعبیر وهن آلود و هماناک فرصتی برای فراست خواننده باقی نگذاشته است! برای اطلاع بیش‌تر از آرای شهریار زرشناس درباره‌ی فروم بنگرید به کتاب «مسئولیت در آرای اریک فروم» شهریار زرشناس، تهران، دفتر مطالعات دینی نصر، ج دوم ۱۳۷۶.

۲. هری استاک سولیوان متولد ۱۸۹۲ در ترویج ایالت نیویورک - وفات ۱۴ ژانویه

درمند بشری تحویل داده است.

اریک فروم در صحنه‌ی تازه‌ای از کارزار میان عقده‌های لاینحل و درهم تنیده‌ی مین آدمی با مفاهیم اجتماعی روانی وارد میدان پیکار روان شناسی شد. اریک فروم به این علت موضوع این نوشته قرار گرفته چون، اندیشه‌مندی چند ساحتی است یعنی او با تسلط و اشراف به چند موضوع به پژوهش پیرامون مسایل اجتماعی انسان می‌پردازد و به همین دلیل نیز رویکرد و توجه به اندیشه‌اش بیشتر احساس می‌شود.

تفاوت دیدگاه او با نقطه نظرهای روانکاوانی چون: «تئودور رایک» که به اعتراف خود فروم، ذهنش را همچون موم در دستان توانمند خود ورز داد، این است که منطق تحولات روانی و اندیشه‌ی مردم از دیدگاه «رایک» براساس تحلیل تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در تاریخ زندگی جوامع بررسی شده است و نه وارونه، اما فروم کوشید تا نشان دهد که نمی‌توان مردم را از روی اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌هایشان شناخت بلکه می‌توان اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها را از طریق مردمی که آن‌ها را بوجود آورده و به آن‌ها باور یافته‌اند، شناخت و تحلیل و ارزیابی نمود.

دکتر اریک فروم با سنت دین یهود پرورش یافت، از بودیسم آموخت که می‌توان بدون خدا نیز زندگی کرد. و این بی‌خدا زیستی تأکید برانکار خدا و همچنین ترویج روح الحاد نیست، بلکه تقویت اراده‌ی فردی آدمی است و قبولاندن این باور که مقاومت اودر تنهایی بیشتر شود. او خود گفته است «یهودیت مارکس، مادر سالاری با خوفن، بودیسم و اندیشه‌های فروید هم

→ ۱۹۴۹ در پاریس. معروفست که روان پزشکی از مرگ زودرس سولیوان به شدت آسیب دید / خانم کارن هورنای «Karen - Horney» (۱۸۸۵ - ۱۹۵۲) روانکاو آلمانی پیرو مکتب فروید از آثار معروف او «شخصیت عصبی زمانه‌ی ما» است. برای آگاهی بیشتر از دیدگاه‌های این دو روانشناس چیره دست بنگرید به کتاب: نظریه‌های شخصیت. اثر دوآن شولتس. ترجمه‌ی یحیی سید محمدی.

افکارم را شکل دادند و هم در تحول و تکامل من نقش اساسی داشتند.^۱ عمیق ترین سائقه‌ی فکری و عاطفی او فرو ریختن دیوارهای حائل بین این عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی به ظاهر ناجور بوده است. اندیشه‌های فروید همواره کانون توجه فکری او و تفکرات و دل نگرانی‌های اجتماعی مارکس جزء دل مشغولی‌های فکر و فرهنگش بوده است. فروم را نباید از اندیشه‌مندان مجرد اندیشی دانست که صرفاً افکار ذهنی‌شان یاریگر وجوابگوی مجرد فکری آنهاست بلکه او اندیشه‌مندی است که وجود اندیشه‌ها را بالمره و به عیان و در روند تجربه‌ی زندگی آزموده است. او با همه‌ی حرف و حدیث‌هایی که درباره‌ی آرای مارکس دارد، کسی او را «مارکسیست» به معنای متداول کلمه نمی‌داند!

او خود را به فروید نزدیک‌تر می‌داند اما از او نیز گذر کرده، فراتر می‌رود و در او نمی‌ماند. فرویدیست هم نیست بلکه تجدید نظر طلب در افکار اوست، البته بغیر از زمانی که در موسسه‌ی روانکاوی برلین به دست «تئودور رایک» تربیت می‌شد، او در این زمان فرویدی تمام عیار بود. فروم می‌گوید: «از زمانی که توجه و دقتم را به روابط انسانی با انسان و بویژه هیجان‌های بشر که ریشه در هستی آدمی است معطوف کردم، فهم و بینش من آغاز شد.»^۲

در آثار اریک فروم کمتر اشارتی به متفکران پست مدرن مثل: گاستون باشلار^۳، ژان فرانسوالیوتار^۴ ژیل دلوژ^۵، ژاک لکان^۶ و دیگران شده است.

۱. نگ به: «جزم اندیشی» مسیحی صص ۱۶ - ۹.

۲. نگ به: «به نام زندگی» در گفت و گوی فرم با شولتس.

۳. Gaston. Bacheiard (۱۸۸۴ - ۱۹۶۲ م) ریاضی دان، فیزیک دان، شاعر، فیلسوف و معرفت شناس معروف قرن نوزدهم فرانسه، و اثر معروف او عبارتند از «بوطیقای فضا» و «شعله‌ی شمع».

۴. Jean. Francois. Lyotard (۱۹۲۴ ورسای - ۱۹۹۸ پاریس) تئوری پرداز ادبی و از

شاید یکی از دلایل این باشد که متفکران پست مدرن، تفکرات چند پاره‌شان بجای اینکه بذر وحدت و یکرنگی و یگانگی فکری و اصول یکپارچه‌ی عقلانیت افشانده باشد، گرد مرگ و دویی و چندگانگی پراکنده است. فروم در جوانیش سودای صلح جهانی را در سر می‌پروراند. جهانی که او در ذهن داشت عاری از جنگ و منازعه بود. آنچه که بیش از حد به جوانه زدن در تفکر اریک فروم کمک کرد، وقوع جنگ خانمان سوز جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) است. این جنگ باعث ایجاد غوغا و طوفان و تلاطمی در وجود نازک اندیش و مهرپرور او شد. او عمیقاً تحت تأثیر روح فکر و فرهنگ آلمان به معنای خاص آن پرورش یافت و به برجسته کردن ابعاد انسانی هر فرهنگی که منادی آزادی و نوع پروری بوده سعی بلیغی نموده است. دید او خلاف دید رایج نسبت به زندگی در جوامع بورژوازی بود و بدین سبب همواره بین دنیای گذشته و دنیای نوین در حال پیوند و ارتباط بوده است.

مقدمه این کتاب با نظر داشتن به مقدمه‌های هفت گانه از آثار فروم که مترجمان محترم با بن‌مایه‌های علمی خود بدان زینت و زیور دادند نوشته شده است که از آن میان، توضیحات و یادداشت‌های «مارتین جی» و نوشته‌های دکتر فولادوند و مجید رهنما از بهترین‌ها بوده است. عیب عمومی ترجمه‌های فارسی آثار اریک فروم، نداشتن نمایه و اعلام پایانی

→ پیشگامان فلسفه‌ی پست مدرن. مهمترین اثر او «وضعیت پست مدرن» است.
 ۵. Gilles . Deleuze (۱۹۲۵ - ۱۹۹۵) فیلسوف فرانسوی که به علت طول مدت بیماری‌اش با پرتاب خود از پنجره‌ی آپارتمانش خودکشی کرد. از آثار اوست: نیچه و فلسفه، فلسفه‌ی نقادی کانت، منطق معنا.
 ۶. ژاک لکان «Jac ques. Lacan» (۱۹۰۱ - ۱۹۸۱) - پزشک، فیلسوف و روانکاو برجسته‌ی فرانسوی که به خاطر ایده‌ی بازگشت به فروید و رساله‌ای که در آن ناخود آگاه را به صورت یک زبان ساختار بندی کرده، معروف شد.

کتاب است. کلیه‌ی فهرست اعلام - توضیحات مفهومی، اقوال و احوال، کتاب شناسی و همچنین واژگان انگلیسی، برگرفته از آثار اریک فروم می‌باشد که در این مجموعه نظم بهتری یافته است. این کتاب در واقع راهنمای مطالعه و ورود به آثار و اندیشه‌های اریک فروم است. برای کسانی که می‌خواهند او را بشناسند و با او روان‌شناسی را درک کنند، علمی که در این روزگار هزار چهره بیش از هر دانش دیگری می‌تواند رهگشا تر و موثرتر باشد، این دانش هم ارز علمی چون، حقوق و سیاست و جامعه شناسی همچنان پیشتاز است و اگر خوب بدان نگرسته شود بخوبی می‌تواند در عقده‌گشایی روزگار عقده ساز موثر و مفید افتد.

اریک فروم که حرف‌ها و اندیشه‌هایش در مرز بین دانش تخصصی از روان‌شناسی و فلسفه‌ی محض است، به معنی درست دیدن همه‌ی آنچه که او دیده و تصویر و تحلیل کرده نیست بلکه تلنگریست به ذهن راكد شده‌ی آدمیانی که اگر اندکی به بیداری روح و روان خفته‌ی خود فکر کنند شاید بتوانند بی آنکه امید واهی دستگیری از طرف دیندار و یا دولتمردی را در مخیله‌ی خود داشته باشند، به خود و توانایی‌های وافر الهی نهفته در خویش بیندیشند!

با این امید که مطالعه‌ی این اثر، دقت و تأمل در آثار و اندیشه‌هایی از این نوع در حل مشکلات مبتلا به، خود، جامعه و دوران ما اثر گذار افتد!

- اریک فروم (Erich . Fromm) در ۲۳ مارس سال ۱۹۰۰ میلادی در شهر فرانکفورت پنجمین شهر بزرگ آلمان و از مراکز مهم اقتصادی - فرهنگی اروپا دنیا آمد- او یگانه فرزند والدین پر تشویش و نگران خود بود که «خود ترمیمی» ناشی از یگانه فرزند بودن را نیز بخوبی توانسته جبران کند. اجداد پدری و مادریش بدون آنکه روحانی باشند، هر دو از عالمان دین یهود بودند. او در دانشگاه‌های فرانکفورت- مونیخ و موسسه‌ی

روانکاوی برلین آموزش دید. در سن ۲۲ سالگی به دریافت درجه‌ی دکتری نایل آمد.

در دانشگاه هیدلبرگ آلمان، فلسفه و جامعه‌شناسی خواند و ادیان و مکاتب فلسفی شرق و غرب را یک دوره کامل گذرانده است. پس از مهاجرت به آمریکا در دانشگاه میشیگان، نیویورک، کلمبیا و کالج بنینگتون به تدریس پرداخت. تخصص اصلی او، روان‌شناسی با گرایش اجتماعی است. او نیز همچون سلف اندیشه‌مند خود، ارسطو، آدمی را «حیوانی مدنی»^۱ می‌دید. به وضعیت جامعه بشری و فرهنگ رو به زوال آن نگران است. آخرین سمت او استادی دانشگاه نیویورک بود. او همچنین ویراستار مقالاتی بود که دانشمندان مختلف جهان از چهار گوشه‌ی عالم برای «سمپوزیوم اومانیزم سوسیالیستی» می‌نوشتند.

آثار این اندیشه‌مند حوزه‌ی روانکاوی اجتماعی مانند دانه‌های زنجیر، اتصال مفهومی داشته: و در آن‌ها عناوین و مضامینی چون: بنیان هویت، دغدغه‌ی فرهنگ، مسئولیت‌پذیری انسان، عدم تعادل در نظام سرمایه‌داری، شکستن عادات غلط، پرهیز دادن از جنگ، وجدان عمومی و تأثیر رویا بر زندگی، آزادی و قید و بندهای آن و... به بحث گذاشته شده است. او در کتاب «گریز از آزادی» و «انسان برای خویش» به قرائتی انسان‌گرایانه از اندیشه‌های مارکسیستی پرداخته است.

در کتاب «روانکاوی و دین» بنیادهای مشترک دینی و نیروی روانکاوی، بانگاه به اندیشه‌های «یونگ و فروید» مورد بازبینی رونکاوانه قرار گرفته است. در کتاب «جامعه‌ی سالم» انسان مصرف‌گرای تک‌ساختی به چالش

۱. «انسان حیوان مدنی با لطیف» سخن معروفی از ارسطو که مبنای نظریه‌ی «انسان حیوانی سیاسی است» در آمده است. این سخن در تاریخ فلسفه‌ی سیاسی معرکه‌ی تضارب‌آرای فلسفی بوده است.

کشیده شده، و به ارزش‌های فرا مصرفی (انسانی - اجتماعی) فراخوانده می‌شود.

پروفسور فروم چندین سال در شهر «تسین» سوئیس زندگی کرد و سرانجام در سال ۱۹۸۰ م روی درنقاب خاک کشید.

www.ketab.ir